

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Abdul Rahim Khan-i-Khanan

میرزا عبدالرحیم خان خانان (۱۷ دسامبر ۱۵۵۶ - ۱۶۲۷ م / ۱۴ صفر ۹۶۴ - ۱۰۳۶ هـ ق) پسر محمد بیرام خان خان خانان و از وزیران صاحب قدرت و هنرپرور و از شاعران دربار گورکانیان هند در زمان جلال‌الدین اکبرشاه و جهانگیر شاه بود. او در روند مهاجرت هنرمندان ایرانی به هند مؤثر بود. عبدالرحیم در چهاردهم صفر سال ۹۶۴ هـ ق در لاهور متولد شد. پدر او «محمد بیرام خان» اصلاً اهل بدخشان و از اویماق بهارلوی ترکمان، ملقب به «خان خانان»، پیشکار و قیم مورد اعتماد اکبر شاه بود. زمانی که همایون شاه پدر جلال‌الدین محمد اکبر و دومین پادشاه گورکانی، از تبعید پانزده ساله خود در ایران فاتحانه به هند بازگشت، بیرام خان در رکاب او بود.

همایون که در یافته بود بدون حمایت خان‌ها امپراتوری گورکانی را نمی‌تواند ترمیم کند با دختر بزرگ جمال خان از مخالفین پدرش بابر ازدواج کرد و بیرام خان نیز دختر کوچک همان خاندان را گرفت. پس از آنکه بیرام خان خانان ناجوانمردانه در پاتان گجرات توسط افغان‌ها به قتل رسید همسرش و فرزندش عبدالرحیم که در آن زمان چهارساله بود را به احمدآباد و از آنجا به دهلی آوردند و به دربار اکبر سپردند. اکبر شاه، با همسر بیرام خان ازدواج کرد و ناپسری خود عبدالرحیم را تحت حمایت و تربیت خود درآورد. پس از رسیدن به سن رشد اکبرشاه به او خطاب میرزا خان عطا کرد. سپس عبدالرحیم با «ماه بانو» خواهر میرزا عزیز کوه پسر اتگه خان از بزرگان دودمان گورکانی ازدواج کرد. میرزا عبدالرحیم خان خانان از آن پس به سرعت مدارج مختلف ترقی را طی کرد و یکی از نه

وزیر اصلی دربار اکبر بزرگترین امپراتور گورکانی هند شد. نه تن در دیوان اکبر شاه رجال ممتاز تلقی می‌شدند که به زبان محلی شبه قاره آن‌ها را «نورتن» یا ناواراتان گفته‌اند و عبدالرحیم خان‌خانان یکی از آن‌ها بوده‌است. او مدتی انتظام مناطق دکن را برعهده داشت.

تقریباً همه شاعران مشهور سده دهم و آغاز سده یازدهم که به هند رفته‌اند به نوعی از بخش‌های خان‌خانان برخوردار بوده‌اند و از آنانند رسمی قلندر، نظیری نیشابوری، شکیبی اصفهانی، عرفی شیرازی، حیاتی گیلانی، نوعی خوبشانی، کفری، ملک قمی، ظهوری ترشیزی، خواجه حسین ثنائی، حکیم فغفور لاهیجانی و جز آنان. عبدالرحیم خان‌خانان خود نیز شاعر بود و به عربی، فارسی، ترکی، سانسکریت و هندی شعر می‌سرود. او در شعر «رحیم» و «رحیمی» تخلص می‌کرد.

این اشعار از او است:

شمار شوق ندانسته‌ام که تا چندست	جز اینقدر که دلم سخت آرزومندست
به کیش صدق و صفا حرف بیگانه‌است	نگاه اهل محبت تمام سوگندست
نه دام دانم و نه دانه، اینقدر دانم	که پای تا به سرم هرچه هست در بندست
خیال آفت جان گشت و خواب دشمن چشم	بلای نیم شبست این نه عهد و پیوندست
مرا فروخت محبت ولی ندانستم	که مشتری چه کسست و بهای من چندست
ادای حق محبت عنایتی ست زدوست	وگر نه خاطر عاشق به هیچ خرسندست
به دوستی که به جز دوستی نمی‌دانم	خدای داند و آنکو مرا خداوندست
از آن خوشم به سخن‌های دلکش تو رحیم	که اندکی باداهای عشق مانندست

میرزا عبدالرحیم خان‌خانان، پس از درگذشت اکبرشاه مدتی به فرزندش جهانگیر نیز خدمت کرد اما به شکایت اعتماد الدوله اسیر شد و دو پسرش به قتل رسیدند و بدن‌های آنان بر «دروازه خونی» ورودی دیوار گرداگرد شهر بنام دروازه دهلی پوسید و خود خان‌خانان نیز پس از چندی در ۱۰۳۶ ه‍.ق درگذشت.